ژوزف ویساریونویچ استالین، رهبر سیاسی اهل شوروی بود که این کشور را از سال 1924 تا هنگام مرگش (1953م) رهبری کرد. او به عنوان دبیرکل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و نخست وزیر این کشور قدرت را دست داشت. استالین نخست به عنوان بخشی از رهبری جمعی این کشور حکمرانی کرد سپس قدرت خود را برای تبدیل شدن به یک دیکتاتوری تحکیم کرد. استالین در عطش دستیابی به قدرت مطلق، از راست علیه چپ بهره گرفت و سپس از چپ علیه راست. سرانجام نیز میانه روها را به جان هردوشان انداخت و در نهایت در دهه ی 1930 همه ی شان را در وحشتی بزرگ به دم تیغ داد. ده پانزده سال بعد، پس از جنگ جهانی دوم، گروهی یکسره متفاوت سر به نیست شدند. یعنی گارد جوان رهبری کمونیسم در اروپای شرقی. آن ها نه مخالف استالین، که از مریدان وفادار او به شمار می آمدند. در آن زمان، اربابشان آن ها را برگزیده بود تا در کسوت قربانی به او خدمت کنند در حالیکه آنان نیز در اوج قدرت نویافته ی خویش بودند.

اروپای شرقی در فاصله ی سال های 1948 تا 1954 یکی از خونین ترین ادوار خود را تجربه کرد. از پی اختلاف با یوسیپ بروز تیتو(کمونیست انقلابی، رئیس جهور و رهبر اتحادیه ی کمونیست های یوگسلاوی)، استالین به دستیارانش در کرملین فرمان داد سناریویی بنویسند که اندکی بعد در اروپای شرقی به روی صحنه رفت. هزاران نفر، از کارمندان دون پایه تا مقامات عالی لشکری و کشوری، به زندان افتادند وتا سرحد مرگ شکنجه شدند و سرانجام، در هم شکسته و رنجور و تهی از انسانیت، در پیشگاه قاضیان این محاکمه های نمایشی ایستادند و متن های ازبرکرده ای را طوطی وار خواندند و سپس سربه تیغ جلاد سپردند یا روانه ی اردوگاه های کار اجباری شدند. این نمایش شوم از آلبانی آغاز شد و در لهستان به پایان رسید و در این میان بازیگران در بلغارستان و مجارستان و چکسلواکی و رومانی و آلمان شرقی نیز به صحنه آمدند. بدین سان استالین، این صحنه گردان کبیر، یکی از بزرگ ترین نمایش های قرن بیستم را پدید آورد، نمایشی مالامال از افسانه و دروغ و بهتان و وحشت و خون. این محاکمه ی نمایشی بازوی تبلیغاتی وحشت سیاسی به شمار می رفت و هدف از آن چیزی جز شخصیت بخشیدن به یک دشمن سیاسی انتزاعی و به دادگاه کشاندن قالب جسمیت یافته ی او و نیز تبدیل اختلاف سیاسی – ایدئولوژیک به جرائم عمومی کاملا درک شدنی آن هم به یاری یک نظام قضایی فاسد بیشتر نبود. چنین محاکمه ای از یک سو توده ها را علیه شری که متهمان تجسم آنند می شوراند و از سوی دیگر آن ها را از حمایت از هرگونه مخالفت بالقوه ای می گریزاند. به این ترتیب

دایره ی بحث در این کتاب به معنای دقیق کلمه به نابودسازی کمونیست ها به دست کمونیست ها محدود می شود.